

منازل سلوک عطار

گردآوری و تالیف

رحمت الله مقصودلو باباخانی



۱۳۹۶

سرشناسه: مقصودلو باباخانی، رحمت‌الله، ۱۳۳۷ -

عنوان قراردادی: منطق‌الطیر. شرح

عنوان و نام پدیدآور: منازل سلوک عطار/ گردآوری و تالیف رحمت‌الله مقصودلو باباخانی.

مشخصات نشر: گرگان: پیک ریحان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۷-۹۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۴.

موضوع: عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۳۷ - ۶۲۷ق. منطق‌الطیر -- نقد و تفسیر

موضوع: Attar, Mohammad ebn Ebrahim . Manteq - ol - Tair-- History and criticism

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- ۱۲th century -- History and criticism

موضوع: منظومه‌های عرفانی فارسی -- قرن ۶ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: *Mystical verse stories, Persian -- ۱۲th century-- History and Criticism

شناسه افزوده: عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۳۷ - ۶۲۷ق. منطق‌الطیر. شرح

شناسه افزوده: Attar, Mohammad ebn Ebrahim . Manteq - ol - Tair

۵۰ بنی کنگره: PIR ۱۳۹۶۰۰۴۹م۷/

۵۰ بنی دیویی: ۸۱/۲۳

شمه کتابخانه ملی: ۵۰۰۲۱۲۰

منازل سلوک عطار

رحمت‌الله مقصودلو باباخانی

نشر پیک ریحان گرگان/ چاپ اول/ اسفند ۱۳۹۶

قطع وزیری/ ۱۳۴ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: خورشید

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۷-۹۳-۸

قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

۷	سخنی به عنوان مقدمه
۱۰	تصوف ایرانی
۱۰	تفکر در تصوف ایرانی
۱۱	اصالت تصوف ایرانی
۱۱	نمایندگی تدوین ایران پیش از اسلام
۱۲	عرفان و تصوف
۱۳	تحقیق در عرفان
۱۵	تحقیق در عرفا
۱۹	چهره‌های برجسته عرفان در دوران اولیه ظهور اسلام
۱۹	امام جعفر صادق (ع)
۲۰	شرح حال شیخ
۲۳	سبب توبه
۲۴	شیخ و علما
۲۶	حدیث آب و عطش
۲۹	مذهب عطار
۳۲	فرزندان عطار
۳۳	در مورد منطق الطیر
۳۸	توحیدیه
۳۸	سیمرغ و قاف
۴۹	وادی چیست
۵۱	وادی اول؛ طلب
۵۶	وادی دوم؛ عشق
۶۲	وادی سوم؛ معرفت
۷۱	وادی چهارم؛ استغنا

۷۷	وادی پنجم؛ توحید
۸۷	وادی ششم؛ حیرت
۹۵	وادی هفتم؛ فقر و فنا
۱۰۳	در راه قاف
۱۱۲	تیپ شناسی مرغان
۱۱۳	۱-هدهد
۱۱۵	۲-بلبل
۱۱۶	۳-طوطی
۱۱۷	۴-طاووس
۱۱۹	۶-کیک
۱۲۰	۷-هما
۱۲۱	۸-باز
۱۲۳	۹-بوتیمار
۱۲۳	۱۰-کوف
۱۲۵	۱۱-صعوه
۱۲۷	پایان سخن
۱۲۹	توضیحات و تعلیقات
۱۳۴	منابع و مأخذ

سخنی به عنوان مقدمه

به درگاه پروردگاریکتا سر نیایش می‌سایم و واپسین پیامبرش را درودی صمیمانه و مولای پرهیز گاران و امیر راد مردان و ولی درویشان را سلام می‌دهم و از پیشگاهش رخصت می‌طلبم که قلم زنی را در گلستان معرفت او آغاز نمایم.

یزدان پاک را سپاس که با این گروه آشنایم گردانید و مهر ایشان را در دلم انداخت. عارفانی که هریک دنیایی‌اند و باز دنیا خالی از آنها. اما وقتی خوب دقیق می‌شوم وحشت می‌کنم، که با عارف روشن بین و ره آموزی چون عطار که فروغ شر و فکرش بر دل و جان مولانا جلال الدین محمد بلخی شعله درانداخته است را چه کار؟ ولی از خداوند بزرگ همت می‌خواهم و به بارگاهش به زاری مناجات کنم که برجان فگار و افسرده‌ام آتشی در زند و این ورق پاره را تابش و جلاش افروز بخشد.

براستی که این آتش مدت‌هاست که در جانم شعله می‌کشد و یکسره در افکار تابان عطار غرقه شده‌ام، چه بسا محو.

شب‌ی صبح نمی‌شد مگر این که عطار را و منطق لطیرش را تورقی نکنم، و گاهی اشکی از گوشه چشم در می‌غلطید و این بحر سوفان را به تلاطم می‌افکند. پس از آن دست حق یاری‌ام نمود و به جلسات مملو از عشق دکتر عباس علی مقصودلو هدایت نمود و سالیانی زانوی تلمذ در پیشگاه این عارف وارسته به زمین نهادم و عاشقانه در دریای موج منطق الطیر به غواصی پرداختیم و به صید صدف‌های پر در و مرجان این دریا مشغول گشتیم.

وجود عارفی دیگر به عنوان هم کلاس و هم درس شاید نعمتی دیگر بود و رسولی دیگر که خداوند برای رهنمود من گسیل داشته بود.

اما دیگر علتی که مرا بر آن داشت که دست به این امر خطیر بزنم درسی بود که از آشنایی با این قوم آموخته بودم. و آن دنیایی دیگر بود که به رویم در گشوده

بود و پنجره‌ای بود گشوده به باغی که تا کنون در جوار من بود و خود از آن غافل بودم.

براستی بدون فهم عرفان و تصوف چگونه می‌توان از عطار و حافظ و مولوی و..... نام برد چه رسد به این که ادعای شناخت ایشان را نیز داشته باشیم. اما این حقیر تنها به آشنایی با اصطلاحات عرفانی که در کلاس درس آموخته بودم بسنده نکردم و برای لمس و رویت اعمال و رفتار عرفا به دنبال آنان رفتم و از مجالس سماع و وعظ ایشان بهره بردم. در آنجا متوجه شدم که اصلاً فهم من از ابیات و ادبیات دیگر گون و متغیر شده است و حتی خود را مریدی می‌دیدم که در منزلی به سیرو سلوک پرداخته. از آن زمان تا کنون با این مخلصین در جهت آشنایی بیشتر با عرفان و تصوف حشر و نشر بسیاری داشته‌ام اینک حس می‌کنم که سبکبارتر از گذشته هستم و ریبی هدفی دیگر و منظوری بهتر از زندگی در باورم جان گرفته است. روی همین اصل بود که انصاف ندیدم تا دانشجویان عزیز و محققان دیگر از این دنیا (عرفان) محروم بمانند. این بود که تصمیم گرفتم این کار خطیر را شروع کنم هرچند که دیگران به طور پراکنده در این زمینه داد سخن داده بودند و کارهایی انجام داده‌اند؛ اما به نور شامل مرتب و آماده، آن هم با زبانی ساده و روان که شایسته‌ی فهم همه محققان - همان است، به نام «منازل سلوک عطار» که هفت شهر عشق او را با زبان رسا و ساده بیان نموده‌ام. علاوه بر آن در ادامه در شناخت تیپ یا «Typologi» هر یک از مرغان که در این وادی ره سپرده‌اند و سخنی گفته‌اند را بیان نموده‌ام.

برای این منظور علاوه بر سیر و سفر و دیدار با مشایخ مختلف به زیارت استادان بزرگ عرفان ایران نیز رفته‌ام و درباره‌ی آنها از اساتید مختلف کمک گرفته‌ام.

اما آنچه مرا بیشتر از همه عذاب داد ورنجم را افزون کرد، عدم امکانات فرهنگی بود که برای به دست آوردن مراجع و کتب مختلف آواره شهرهای دیگر نمود، البته

شاید این نیز امتحانی بود تا معلوم شود آیا طالب واقعا طالب هست یا خیر؟

برای تکمیل این جزوه از کتب مختلفی سود جستیم که یادآوری خواهم نمود ولی دراینجانب به برخی از کتب معتبری که بیشترین سود را از آنها جسته‌ام اشاره می‌کنم.

- منطق الطیر
- ترجمه رساله قشیریه
- کشف المحجوب
- اسرار التوحید
- به روی سیمرغ
- عرفان عطار
- جستجو در آثار و احوال شیخ عطار
- فرهنگ معین
- فرهنگ اصطلاحات عربی
- تذکره الاولیا
- نفحات الانس

وچند اثر دیگر.....توانستم این خدمت نابیز واین وظیفه‌ی خطیر را به انجام برسانم، امید است اساتیدی که از روی اختیار یا اجبار به ترائت این جزوه توفیق می‌یابند، شوخ فعل به دیده نگیرند و استادانه و مرشدانه دست یاری به سویم پیش آرند و این حقیر را از اشتباهات و خطاهایش آگاه نمایند. اساس بهره برداری این حقیر اثر بزرگ شیخ ما «منطق الطیر» است، که با استفاده از کتب مختلف به تالیف این جزوه دست زده‌ام.

«تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

اینجا شایسته می‌دانم از زحمات بی دریغ و صمیمانه‌ی دختر گلم فریده تشکر نمایم زیرا وقت و بی وقت تلاش و ابتکار او توانست یاور من باشد در این امر خطیر.

تصوف ایرانی

تصوف ایرانی مظهر صفای قلب، کمال عقل و بینش نژاد ایرانی، و مبین خصوصیات ملی، عظمت معنوی، استعداد علمی و استقلال سیاسی ایرانیان است. ابومسلم، بابک، مازیار و یعقوب لیث اگر به ضرب شمشیر در صدد احیای ملیت ایرانیان برآمدند، حسین بن منصور حلاج، شبلی، با یزید، شیخ ابو سعید، سنایی، عطار، مولانا جلال الدین بلخی و شیخ صفی اردبیلی نیز به نیروی عرفان اسمانی خویش که بایستی فلسفه‌ی خاص ایرانی اش خواند؛ ازادی فکر و اصالت نژاد و استقلال روح ایرانیان را در هر صریح و پنهان تمدن اسلامی عرضه داشتند.

و بالاخره اخلاص و یکم از این پیران، پیران صوفیه بود که سلسله عظیم صوفیه را به وجود آوردند. برای نخستین بار در تاریخ ایران بعد از اسلام عظمت باستانی ایرانیان را تجدید و بنای ملی ایرانیان را برای همیشه استوار ساختند.

تفکر در تصوف ایرانی

از صفات ممتاز تصوف ایرانی که موجب امتیاز آن از مکتب‌های هنری و اسلامی و یونانی است، خصوصیت تفکر و تعمق علمی آن است، چنان که ابوالغیث حسین بن منصور حلاج که نماینده‌ی برجسته تصوف ایران بعد از اسلام به شمار می‌رود، صاحب پنجاه تصنیف علمی بوده و آثار قلمی وی در اقطاع و اکناف جهان سائر بوده است، و نیز شیخ ابی سعید که شاهنشاه جهان و ملک الملک صوفیان ایرانی است، به فنون علوم عالم بوده، از همه مهمتر آنکه در کتب اساسی صوفیه از جمله در کتاب کشف المحجوب که از متون معتبر تصوف و گل سر سبد آثار صوفیه‌ی ایرانی است باب اول آن در اثبات علم می‌باشد.

اصالت تصوف ایرانی

تصوف ایرانی قدمت شایان توجه و اصالت خاصی دارد، آنان که تاریخ تصوف را در چارچوب اسلام مطالعه می‌کنند، سخت در اشتباه‌اند.^۱ زیرا طبق اسناد مسلم علمی و تاریخی، تصوف ایرانی سابقه‌ای سه هزارساله دارد و بایستی ریشه‌های عمیق تصوف ایران بعد از اسلام را در تاریخ تحولات فکری و فلسفی ایران در عهد باستان جستجو کرد. کتاب نفیس و گرانبه‌ای حکمت اشراق^۲ از شهاب الدین سهروردی، در این مورد بهترین سند تاریخی و علمی به شمار می‌رود اصطلاحات عرفانی کتاب مزبور را می‌توان در اوستا پیدا کرد. هنری کربن مستشرق و محقق معاصر، فلسفه‌ی اشراق و تصوف ایرانی را به حق فلسفه‌ی جاویدان ایران خزانده است.

نماینده‌ی تصوف ایران پیش از اسلام

بزرگترین نماینده تصوف ایران پیش از اسلام ماننی است که از حیث وسعت و عظمت فکر و نبوغ معنوی و نفوذ روحانی، در تاریخ تصوف عالم یک شخصیت عظیم‌النظیری می‌باشد. اگر در تاریخ تصوف ایران معانی نظر شود معلوم می‌گردد که تصوف ایرانی در تکوین و پیدایش مکتب‌های صوفیه، سرف جهان از جمله افلاطونیان قدیم، افلاطونیان جدید، تصوف هندی و زرد در تصوف اسلامی تأثیرات مستقیم و موثری داشته و در عین حال از دبستان‌های عریضه‌ی ملل مزبور متأثر بوده است.

۱- ادوارد برون وریولدنیکلسن از مستشرقین و دکتر غنی از محققین ایرانی از جمله کسانی هستند که در تحقیق تاریخ تصوف ایران خود را به چارچوب اسلام مقید ساخته‌اند.

۲- مستشرق و دانشمند معاصر فرانسوی هنری کربن به سال ۱۰۳۱ خورشیدی چاپ انتقادی بسیار عالمانه‌ای از حکمت الاشراق در تهران منتشر ساخته است.